

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۶ اپریل ۲۰۲۰

"غنی احمدزی" در دام "مایک پمپئو"؟!

۲

یکشنبه - ۱۷ حمل ۱۳۹۹ - کابل:

به ادامه گذشته:

در قسمت قبلی این مختصر تذکار دادم، که امپریالیسم امریکا جهت حفظ آبروی استعماری خودش و برای زنده نگه داشتن ستراتیژی "صدور دموکراسی" با "نسخه افغانستان"، به دنبال بهانه می گشت و چه بهتر است بنویسیم می خواست بهانه بسازد، تا در چنین اوضاع بحرانی که خود آن کشور توان تهیه چند ماسک الکترونیک برای مردم امریکا را ندارد، و علناً به دزدی بحری و هوایی و غارت اموال دوستان و شرکای خود مشغول است، میلیارد هادالر پول خود را در "چاه گروم" افغانستان نریزد.

هموطنان گرامی!

اگر مسأله این طور نبوده باشد، امریکا نباید تا اینجا مسأله پیش می آمد:

الف- عدم شفافیت و تقلب گسترده در انتخابات چیزی نبود که امپریالیسم امریکا یک شبه بدان پی برده باشد، چه گذشته از آن که خودشان از طریق عمال شان در سازماندهی و گسترش آن تقلب دست بالا داشتند، آنهم در حد و پیمانهای که سفیر آن زمان خودش در کابل، از تعفن و گندیدگی آن به فغان آمده، نتوانست آن را تحمل نماید، در نتیجه اگر ریگی در کفش خودشان نمی بود هیچ نیاز نداشتند تا نخست در مراسم تحلیف "غنی احمدزی" شرکت نموده و مستقیماً بر صحت انتخابات صحه گذارند، فرمایش بیابند و مسأله "قابل تأمل" دانستن آن بآلماسکه مبتدل را از جانب نماینده خاص آنها "خلیلزاد" و تکرار آن از جانب وزیر خارجه به میدان اندازند. چه همه می دانیم ذات پذیرش این امر به معنای به رسمیت نشناختن نتایج انتخابات و تشویق طرف مقابل به پافشاری روی مواضع خودش می باشد.

ب - امریکائی ها بیشتر و خوبتر از هر کس دیگری این را می دانند که دولت دست نشانده به ویژه باند "غنی احمدزی" چنان بی ریشه و بدون پشتوانه است که به حساب مساعدت ها و حمایت های داخلی، نوزادی را مانند است که مرده به دنیا آمده باشد. گذشته از آن، تا جائی که تاریخ حاکمیت های مستعمراتی نشان داده است، بقاء و دوام آنها مطلقاً تا زمانی ممکن بوده و است، که مستقیماً از جانب باداران شان حمایت همه جانبه شوند. تجربه ای که نسل ما در زندگی روزمره اش، در زمان مزدوران روسان اشغالگر خود مشاهده نموده ایم. یعنی حاکمیتی که در برخورداری از حمایت شوروی

قادر شد، حملات گسترده پیاده نظام ناتو یعنی نیروهای مشترک اخوان افغانستان، تروریسم بین المللی و اردوی پاکستان را در جلال آباد دفع نماید، زمانی که همان حمایت قطع شد، از تپ تپ پای پشک و بع بع چند بز ترسیده، در اوج قدرت شکست را پذیرفته با پناهنده شدن نجیب گاو در دفتر ملل متحد در افغانستان، بر حاکمیت خونبار حزب شان نقطه پایان گذاشت.

عین مسأله اکنون هم صدق می نماید. چه رژیم تا مغز استخوان وابسته به کمکهای همه جانبه اشغالگران بوده، حیات و ممات آن منوط به ادامه و یا قطع همان کمکها می باشد.

پ- بناءً وقتی مایک پمپئو با بهانه گیری نخست یک میلیارد از کمکهایشان را به حالت تعلیق قرار می دهند و در دو روز اخیر یکی از معاونان وزارت خارجه، صریحاً ادامه تمام کمکها را زیر سؤال می برد، مسایل چندی مطرح می گردند:

*- آیا تمام این پس گرفتن کمکها به موافقه و با برنامه قبلی با "غنی احمدزی" صورت گرفته و یا بدون توافق وی؟
*- هرگاه این تصمیم بدون توافق "غنی احمدزی" صورت گرفته باشد، بدان معناست که امپریالیسم "غنی احمدزی" را دو دسته تقدیم طالب می نماید، لذا هرگاه "غنی احمدزی" جاسوس نمی بود که هست و هرگاه ذره ای از شهامت، وجدان و شرف مردم ما در وجودش، وجود می داشت که ندارد، می آمد و افشاء می کرد که بلی این خواست امریکاست و من نمی خواهم آن را بپذیریم.

*- هرگاه چنین تصمیمی بدون توافق با وی گرفته شده باشد، جای داشت که وی برای حفظ خودش، در عوض تشنج فزائی، به تشنج زدائی دست می زد. در حالی که قضیه اینطور نیست.

از تمام این بحث نتیجه می گیریم که "غنی احمدزی" تمام تصامیمش را به دستور و مطابق اراده اشغالگران امریکائی و شرکاء اتخاذ می نماید و نباید فریب ظاهر را خورد و باور کرد که گویا وی و یا "عبدالله عبدالله" عناصری اند که می توانند مخالف اراده امپریالیسم امریکا کاری انجام دهند.

آنها به همان سان که با استعمار آمده اند، در نهایت با رفتن استعمار نیز خواهند رفت، برماست تا با لگدی محکمی بر نشیمنگاه شان، آن ها را راهی گورستان تاریخ نمائیم.

سرکها ما را می طلبند!!